

گزارش

درگیری در سخنرانی ظریف راهبرد زدن زیر میز

موسی موحد؛ «شما همه مخالفان را در کشور را خفه کرده‌اید به اسم شهدا؛ ما سرکوبگر اقلیت نیستیم، ما مثل اقلیت نیستیم که با اکثریت مردم با چماق برخورد می‌کند. یادتان نیست نانمانبیده کاشان که روزگار را بر من در مجلس سیاه کرده بود، گند چای دیش را در آورد. همه اختلاس‌ها در تاریخ به اندازه چای دیش نمی‌شود. هرچه داشتم فروختم و خورده‌ام تا یک ریال از پول مملکت برندارم. آقایان در مناظره‌ها به‌گونه‌ای صحبت می‌کنند که انکار اینجا سونیس است، به شما دروغ گفتند که دولت روحانی واکسن نیاورد؛ آقایان مانع می‌شدند و می‌گفتند ما واکسن داخلی تولید می‌کنیم. وقتی ما دولت را ترک کردیم، ۱۲۰ میلیون دُز واکس آورده بودیم. مگر واکسن خمره رنگ‌رزی است که یک هفته بعد از خروج ما از وزارت خارجه، میلیون‌ها دُز وارد شود؟ ۱۰ دقیقه در صداوسیما صحبت کردم انکار آب در لانه مورچه ریختند. آقایان دعا می‌کردند ترامپ انتخاب شود. تحریم‌های دوره آقایان، تحریم همه نفت، بانک، پتروشیمی و… بود. گفتم اگر می‌خواهید مغلظه کنید، پاسخ دهید چرا در سه سال رئیس، سالی ۳۵۰ تحریم اضافه شد؟ بگویید من تحریم آمریکا هستم یا جلیلی یا قالیباف؟ چرا وقتی تحریم آمریکا شدم، به جای فحش به آمریکا به من فحش دادید؟ از توфан آگاهی مردم می‌ترسید!».
جملات یادشده پاسخ ظریف به کسانی بود که دیروز (شنبه) به دنبال برهم‌زدن گردهمایی انتخاباتی در کاشان بودند. آنچه در سایه درگیری‌های کاشان رخ داد، در مقام عمل مؤیدی بر آن است که سیاست آشوب‌سازی در دستور کار تمامیت‌خواهان قرار گرفته است. با توجه به سوابق چنین اغتشاش‌آفرینی‌هایی، بدون شک این سیاست از سوی گروه‌های فشار همواره در دو مقطع عملیاتی می‌شود. نخست، زمانی که خود را در انتخابات شکست‌خورده می‌بینند و به دنبال آن سعی دارند با تشدید تنش، فضای کار از دست دولت‌های پیروز خارج شود؛ کمااینکه پس از به قدرت رسیدن روحانی، حمله به سفارتخانه عربستان و کنسولگری این کشور در مشهد و پیاده‌روی‌های قم و سایر شهرها برای تجمعات جلوی وزارت امور خارجه و پاسور و نظایر این‌دست اقدامات به تکرار به وقوع پیوست. مقطع دیگر هم ناظر بر زمانی است که تمامیت‌خواهان بیم و نگرانی جدی برای سنگین‌ترشدن کفه آرای رقیب در انتخابات حس کنند. نظر به اینکه نظرسنجی‌ها، عموماً از رشد و پیشتازی سید آرای پزشکیان خبر می‌دهد، این‌دست اغتشاش‌آفرینی‌ها یگانه راهکار برای برهم‌زدن یا در اصل زدن زیر میز است.



داود حشمتی؛ شنبه دوم تیرماه ۱۴۰۳ سومین مناظره طولانی کاندیداهای ریاست‌جمهوری به پایان رسید؛ اما آن‌طور که تصور می‌شد، مناظره‌ها تاکنون نتوانسته در جامعه تحرک چشمگیری برای افزایش مشارکت ایجاد کند. نه وعده‌های نجومی زاکانی توانسته از رای‌دهندگان «دل‌ریایی» کند و نه ژست‌های قالیباف که تلاش می‌کند از خود چهره‌ای کارآمد و دارای سابقه مدیریت ارائه دهد، مردم را جذب کرده است. هیچ‌کدام از نامزدها تا اینجا کار نتوانسته‌اند وزنه اساسی و درخور توجهی از رای‌دهندگان را به سمت خود بچرخانند. این وضعیت ممکن است در مناظره سیاسی به‌طور محسوسی تغییر کند، ولی تا اینجا کار وضعیت برای هر دو جریان اصلی انتخابات با کره‌هایی اساسی روبه‌رو است. در اینجا کاندیداهای انتخابات ذیل سه دسته کلی تقسیم می‌شوند و در نهایت پیچیدگی‌های رقابت‌های اصلی را تشریح خواهیم کرد. در این مرحله از انتخابات، ما با چهار کاندیدای اصلی روبه‌رو هستیم؛ در یک طرف «قالیباف» و «جلیلی» قرار دارند و در طرف دیگر «پزشکیان» و «عدم مشارکت». رقابت اصلی انتخابات میان این چهارضلعی روز به روز داغ‌تر می‌شود. گدام‌یک به نفع دیگری کنار می‌رود؛ آیا پزشکیان پیش از آنکه رقابت را به قالیباف یا جلیلی بیازد، به نامزد جبهه خود یعنی «عدم مشارکت» واگذار می‌کند یا می‌تواند به ائتلاف با عدم مشارکت دست پیدا کند؟ در سمت دیگر ماجرا با چه شرایطی روبه‌رو خواهیم بود؟ آیا جریان‌های اصلی سیاست در اصولگرایان می‌توانند جلیلی را به‌عنوان نماینده پاچوش‌هاکنار بزنند و قالیباف را به‌عنوان نامزد جریان چنارها پشت میز ریاست بنشانند؟

۳ جریان اصلی

بر حسب ظاهر، در این انتخابات شش کاندیدا را در صحنه می‌بینیم؛ اما کاندیدای دیگری هم در این انتخابات حضوری پررنگ دارد که نامش «عدم مشارکت» است. این نامزد رای خود را نه از درون صندوق، بلکه در بیرون آن دریافت می‌کند؛ همچنان که در سه رقابت گذشته (سال‌های ۱۴۰۰، ۹۸ و در نهایت ۱۴۰۲) توانست روز به روز به سید رای خود بیفزاید و مشارکت را به زیر ۵۰ درصد سوق دهد. به عبارت روشن‌تر، ما در این انتخابات با هفت نامزد واقعی روبه‌رو هستیم که در یک تقسیم‌بندی کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از نامزدهای بی‌رای، نامزدهای جریان تداوم وضع موجود و نامزدهای جریان تغییر‌خواه.

اول، نامزدهای بی‌رای

در میان هفت نامزد موجود، سه نامزد از رای درخور توجهی نه در میان توده جامعه و نه در میان جریان‌های سیاسی با حامیان جدی بهره‌مند نیستند. این افراد عبارت‌اند از مصطفی پورمحمدی، قاضی‌زاده هاشمی و علیرضا زاکانی. هرکدام از این افراد در بهترین حالت باید رای خود را به سید یک کاندیدای نزدیک واریز کرده و از انتخابات خارج شوند. باقی‌ماندن دو نفر از آنها، باعث کاهش سبب رای کلی، دو دوره‌ای شدن انتخابات و کاستن از سبب رای کاندیدای نزدیک به یکی از دو جریان اصلی رقابت خواهد شد. از میان این سه نفر، وضعیت برای پورمحمدی بهتر از سایر رقباست. او در صورتی که در انتخابات بماند، از سید رای اصولگرایان کم می‌کند و با کاسته‌شدن از سبد رای آنها، امکان دو مرحله‌ای شدن انتخابات را افزایش می‌دهد. در صورت خروج از انتخابات نیز با توجه به فاصله‌گذاری خود با کاندیداهای «تداوم وضع موجود»، سبد رای او به پزشکیان منتقل خواهد شد. زاکانی و قاضی‌زاده هاشمی هر دو به جریان تداوم وضع موجود تعلق دارند؛ باین‌حال، با توجه به نداشتن سبد رای درخور توجهی، ناگزیر هستند کنار بروند. آنها تنها در صورتی باقی می‌مانند

کدام‌یک با دیگری ائتلاف می‌کند؟

نامزد هفتم



که اساسا استراتژی طرف مقابل این باشد که انتخابات را دومرحله‌ای کند. اگر مجموعه جریان اصولگرایی تصمیم بگیرد امکان ایجاد اجماع در مرحله اول وجود ندارد، ممکن است به این سمت حرکت کند که همه کاندیداها در انتخابات باقی بمانند تا پزشکیان نتواند در مرحله اول پیروز شود و در نهایت بتوانند در مرحله دوم، اجماع ناخواسته‌ای را ایجاد کنند که به پیروزی منتهی شود.

دوم، نامزدهای جریان «تداوم وضع موجود»

اگرچه زاکانی و قاضی‌زاده هاشمی هم خودشان را ادامه‌دهنده وضع موجود تعریف می‌کنند، ولی مهم‌ترین نامزدهای این جریان، جلیلی و قالیباف هستند. آنها به جریانی تعلق دارند که از سال ۷۶ به این طرف، خود را در مقابل جریان اصلاحات تعریف می‌کرد. گفتمانی اصلاحی که دال مرکزی آن، دموکراسی‌خواه در ایران و تشن‌زدایی در خارج از مرزهاست و دولت‌های احمدی‌نژاد و رئیسی دقیقاً در نقطه مقابل این تفکر ظاهر شدند.

حالا آنها آمده‌اند که راه رئیسی را در این مسیر ادامه دهند و تداوم وضع موجود سه سال گذشته را رقم بزنند.

سوم، نامزدهای تغییر‌خواه

در این بخش هم دو نامزد وجود دارد؛ «مسعود پزشکیان» و «عدم مشارکت». این نامزدها هرکدام در جریان تغییر‌خواه دارای رای هستند، بخشی از جریان تغییر‌خواه رای نمی‌دهد و در واقع رای او به سید «عدم مشارکت» ریخته می‌شود. بخش دیگری از جریان تغییر‌خواه نیز به میدان آمده تا به مسعود پزشکیان رای دهد. حالا رقابت چهاروجهی ایجادشده شامل یک رقابت درونی و یک رقابت بیرونی است.

رقابت پزشکیان وعدم مشارکت

به‌طور طبیعی در بهترین حالت هم رقابت‌های انتخابات ایران بیش از ۸۰ درصد مشارکت را به خود ندیده است. به این ترتیب، باید ۲۰ درصد از آرا را از سبد عدم مشارکت نیز خارج کرد. در دور گذشته ریاست‌جمهوری با سه‌میلیون و ۷۰۰ هزار رای باطله روبه‌رو بودیم که ۱۳ درصد از آرای به صندوق ریخته‌شده را شامل می‌شد (تقریباً شش درصد کل آرا). آخرین انتخابات ریاست‌جمهوری با حضور ابراهیم رئیسی، تنها توانسته بود ۴۹ درصد

شرق

از رای‌دهندگان را پای صندوق‌های رای بکشاند. اگر مشارکت امروز در حد ۵۰ درصد ارزیابی شود، تا اینجا‌ی کار می‌توان گفت پزشکیان از سبد رأیی که بار قبل آرای باطله داده یا به رئیسی رای داده بودند، برداشت کرده است. گفتمان او اما تا امروز نتوانسته بر عدم مشارکت که رقیب اصلی او است، غلبه کند. اما در دو حالت احتمال بالارفتسن آرای او وجود دارد؛ اول اینکه او بتواند در دو مناظره آخری که به مسائل فرهنگی و سیاسی پرداخته می‌شود، درخشش لازم را داشته باشد. این درخشش می‌تواند برای او از سبد رای «عدم مشارکت» رای جمع کند. حالت دوم که بسیار هم مهم است، «رای پنهان» است. رای کسانی که در نظرسنجی‌ها هم اعلام کرده‌اند تمایلی ندارند به سوآلات پاسخ دهند. کسانی که ظاهراً تصمیم گرفته‌اند رای خود را پنهان کنند. این رای احتمالاً در کنار آرای مرده‌های انتخابات تعیین‌کننده‌ترین عنصر این انتخابات خواهد بود. آرای کسانی که ظاهراً می‌خواهند بدون آنکه مورد قضاوت اطرافیان و جامعه قرار بگیرند، به نفع کاندیدای مدنظرشان پای صندوق رای بروند. به نظر می‌رسد این آرا بیشتر میان پزشکیان و قالیباف تقسیم خواهد شد. موضوعی که باید بعداً و مفصل‌تر به آن پرداخت.

رقابت جلیلی و قالیباف

رقابت دیگری که میان جریان تداوم وضع موجود کلید خورده، رقابت میان جلیلی و قالیباف است. آرای هر دو نفر آنها از همان ابتدای کمپین انتخاباتی، در سقف رای خود ایستاده و رشد چندانی ندارد. نه مناظره‌ها به آرای آنها اضافه می‌کند و نه حملات رقیب از آرای آنها‌کم خواهد کرد. بنابراین رقابت میان آنها از سطح رای‌دهندگان به سطحی بالاتر یعنی در میان تصمیم‌گیران اصولگرایی منتقل شده است. در آنجا رقابت بسیار فشرده است؛ یک طرف معتقد است قالیباف رای بیشتری دارد و طرف دیگر نظرسنجی‌هایی را نشان می‌دهد که امروز رای جلیلی را بالاتر نشان می‌دهد. با توجه به اختلافی که در این زمینه وجود دارد و از سوی دیگر با توجه به اینکه در نهایت فاصله رای دو نفر با یکدیگر چندان زیاد نیست، تصمیم‌گیری بر اساس نظرسنجی‌ها ممکن است منتفی شود؛ مگر آنکه در هفته پیش‌رو، قالیباف یا جلیلی بتوانند فاصله معناداری را با یکدیگر در نظرسنجی‌ها نشان دهند. در آن صورت، ممکن است طرفی که رای پایین‌تری دارد، راضی به کناره‌گیری به نفع دیگری شود. این وضعیت امروز به‌هیچ‌وجه دیده نمی‌شود. حالت دیگری که از روز گذشته تیم قالیباف آن را دنبال می‌کند، بالاتر نشان‌دادن وضعیت مسعود پزشکیان است. نظرسنجی که وطن امروز منتشر کرد و تیم قالیباف هم آن را بازترن داد، با این هدف منتشر شد که نشان دهد در صورت عدم اجماع جریان اصولگرایی (بخوانید کناررفتن جلیلی به نفع قالیباف) اصلاح‌طلبان پیروز انتخابات خواهند بود. روشی که پیش‌تر نیز از آن بارها استفاده کرده بودند تا در درون جریان اصولگرا اجماع ایجاد کنند. حالت دوم ایجاد اجماع درون جریان‌های سیاسی است. ممکن است جریان‌های سیاسی پشت یکی از این دو کاندیدا را خالی کنند و در روزهای آخر از دیگری حمایت کنند. با توجه به سکوت برخی از این افراد، به نظر می‌رسد این تصمیم‌گیری هم می‌تواند بر سرنوشت انتخابات تأثیرگذار باشد. در نهایت این چهارضلعی انتخابات که میان «پزشکیان و عدم مشارکت» از یک طرف و «قالیباف و جلیلی» در سمت دیگر ایجاد شده، ممکن است به رقابت سه‌ضلعی تغییر شکل پیدا کند. سه‌ضلعی‌ای که محتمل‌ترین آن پزشکیان، قالیباف و عدم مشارکت است. تا اینجا اما می‌توان تا حد زیادی پیش‌بینی کرد هیچ‌کدام از کاندیداها توان جمع‌کردن ۱۵ میلیون رای را در دور اول نخواهند داشت.



The Longines Legend Diver Watch

Elegance is an attitude

لونژین

LONGINES

SARMAN CO.

1832 Dr. Shariati Ave. Next to Pol-E-Roomi Tehran IRAN

Tel.: +98 21 226.137.52